



گاهنامه‌ی سیاسی،
فرهنگی و اجتماعی
به مناسبت روز معلم

شماره ۶ / سال سوم / اردیبهشت ۱۴۰۰

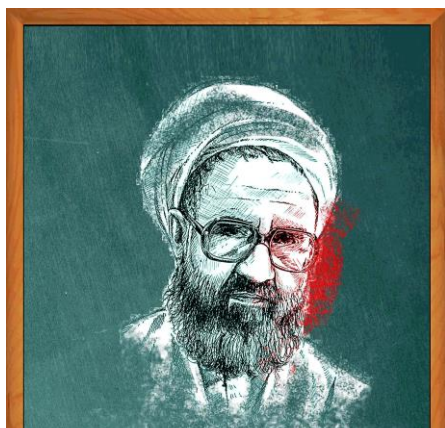


■ روز عشق ۸/


■ انتخابات ۱۴۰۰ ۱۰/۹

■ قرارداد با شرقی‌ها ۹/

■ اردوی عشق ۲۲/



شناسنامه

راهنما: برای استفاده از بخش صوتی رادیو صریر بر روی آیکون  کلیک کنید و یا در نسخه چاپی، کیوآر کد را اسکن نمایید.

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان امام محمد باقر (ع) خراسان شمالی

مدیر مسئول: محمد الهامی

سر دبیر: محمد ریحانی

هیأت تحریریه: محمد ریحانی - الیاس رسولخانی - عباس محمدی - محمد علی رضایی فرد
مهدی رحیمی تثنی - سجاد موسوی - محمد موسوی - پهدی مارامانی - محمد الهامی
محمد مهدی کوه نشین - سجاد اسعدی - امیرحسین علی نیا - رضا دلیرانی کیکانلو

مدیر هنری، گرافیک و طراح: علی ابراهیمی

مسئول گروه صوتی (رادیو صریر): محمد ریحانی

گروه صوتی: علی اسماعیل پور - الیاس رسولخانی - محمد ریحانی - امیر حسین علی نیا -
مهدی عوض نیا - محمد مهدی کوه نشین - سیف الله زاده

ویراستار: محمد ریحانی - علی ابراهیمی - محمد الهامی

شغل معلمی، همان شغل انبیاست. پیغمبر اکرم (ص) معلم همه بشر است و بعد از او، حضرت امیر (ع) باز هم معلم بشر است. معلم، امانت داری است که غیر از همه امانت ها، انسان، امانت اوست.



قرارداد با شرقی ها ۹

منشور دانشجو معامیسم
۱۳

دانشجو معلم مهارتی
یا معیشتی ۱۴

شهید معلم شهید غیرت
۱۵

دانشجویان و واکسیناسیون
۱۸

عدم میزبانی یوز های ایرانی
پندانه ۲۰

دلنوشته ۲۱
معرفی کتاب ۲۶

طنز عاشقانه
۲۷

شورای شهر ها ۲۸
رادیو صریر ۳۰

روز عشق
۸

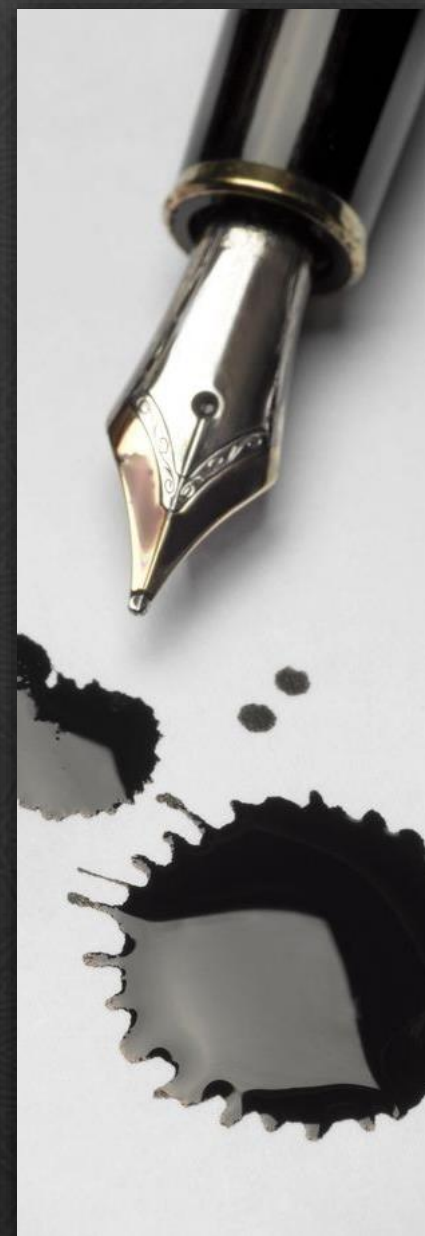
سر سخن اول ۶

انتخابات ۱۴۰۰ ۱۰

۱۴ ماه مبارک رمضان

قصه یتیم شدن امت ۱۶

اردوی عشق ۲۲



صریر

در خدمت سنگر تعلیم و تربیت



محمد الهامی، مدیر مسئول



نشریه دانشجویی صریر مفتخر است که بار دیگر توانست با استفاده از ظرفیت والا دانشجو معلمان

دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی، شماره ششم خود را منتشر کند. مایه مباهات مجموعه صریر می باشد که همزمان با روز بزرگداشت مقام والای معلمی، به نسبت توان خود ادای دینی داشته است در تربیت معلمانی که بتوانند در این جنگ عرصه تعلیم و تربیت، سربازان ماهری در این سنگر باشند.

در این مسیر بزرگان بسیاری گام نهاندند که الگو جوامع بشری شدند و در این سنگر به درجاتی رفیع دست یافتند. علامه شهید استاد مرتضی مطهری (رحمه الله) یکی از این بزرگانی است که در الگو معلمی بی همتاست، تا جایی که رهبر معظم انقلاب اسلامی خصوصیات ایشان را خصوصیات ناب معلمی و تمامی آثار ایشان را مفید می داند و توصیه فراوان به استفاده حداکثری از آن ها می کنند.

در پایان ضمن تشکر از تمامی دوستانی که بابت تهیه این شماره از نشریه دانشجویی صریر زحمت کشیدند، آمادگی خود را جهت دریافت نظرات و پیشنهادات شما بزرگواران اعلام می کنم.

حدیث عاشقان پایان ندارد

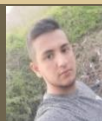
نَسْتَكْفِي بِهَذَا وَالسَّلَام



سخن سردبیر

به نام خداوند لوح و قلم حقیقت نگار وجود و عدم
خدایی که داننده راز هاست نخستین سرآغاز آغاز هاست

محمد ریحانی، سردبیر



بسیار خوش حال و شادم که با توکل بر خدا و زحمت همکاران عزیزم هم در بخش صوتی و هم در بخش نوشتاری ششمین شماره از نشریه ی صریر را تهیه کردیم و با توجه به این که روز معلم را پیش رو داشتیم، قلم های خود را به عشق این روز عزیز به حرکت در آوردیم؛ امید است که مدتی با خواندن و شنیدن این شماره ی نشریه، از فضای سیاه کرونا دور شوید، فضایی که در تک تک لحظات زندگی ما از ابتدای حضور منحوسش باعث اذیت و آزار های زیادی گشته است.

با آرزوی سلامتی برای تمامی دانشجو معلمان عزیز و خانواده های گرامیشان، انشالله که همیشه سالم و تندرست باشید و از شر این بیماری و بیماری های دیگر در امان باشید.

یا حق

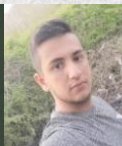
تازمانی که اقیانوسی کبیر وجود دارد به سمت دریا نرو، و اگر به اقیانوس دست نیافتی و دریا را پیدا کردی، غرق آن نشو و همیشه کشتی ات را به سمت جلو به حرکت در بیاور، به دنبال بی کران برو و در لجنزار دریا باقی نمان...



روز عشق



محمد ریحانی



معلم یعنی از خود گذشتگی، معلم یعنی شجاعت، معلم یعنی حتی در بدترین شرایط با دل و جان جنگیدن در روزگاری که قامت مشکلات اقتصادی آنقدر بزرگ شده است که سر به فلک میکشد، معلم فقط برای خدا، فقط برای عهدی که با دلش بسته است، فقط برای به دوش کشیدن لقبی که بسیار با ارزش است (شغل انبیا) که فقط برای معلمان است می‌جنگد، می‌سوزد، اما از عشق زیاد خود حتی لحظه‌ای دم از مشکلات نمی‌زند...

معلم، همانیست که حتی روی تخت بیمارستان در لحظه‌های پایانی زندگی خود از روی معامله‌ای که با خدا بسته است دست از تدریس برنمی‌دارد. معلم همان است که در زمان آتش سوزی کلاسش جایی که می‌تواند فرار کند و خود را نجات دهد خود را فدای دانش آموزان می‌کند؛ معلم همان است که کیلومترها پیاده در گل و لای در سیلاب و برف راه می‌رود که خود را به کلاسی برساند که فقط یک دانش آموز دارد و ما چقدر سرسری از این عشق بزرگ می‌گذریم. این معلمانند که پرورش دهنده‌ی دانش‌مندان پزشکان مهندسان و... این معلمان هستند که می‌توانند دانش‌آموزی گریزان از اجتماع و درس را به آغوش اجتماع و جامعه برگردانند و به او راه درست را نشان دهند. کاش قدر معلمان را در جامعه بیشتر می‌دانستیم چرا که جامعه تا زمانی که معلمان خوبی نداشته باشد پیشرفت نخواهد کرد البته غافل نشیم که معلمان عزیز هم همانطور که تا الان جنگیدند، باز هم باید بجنگند و لحظه‌ای از تلاش فراری نباشند.

اما دانشجو معلمان عزیز! شما که خود از معلمان کشور هستید قدر قرار گرفتن در این جایگاه بزرگ را بدانید؛ جدا از چپ و راست بودن، جدا از هرنوع رنگ، با تمام وجود تلاش کنید که ارزش و احترامی که در این شغل وجود دارد را بر همگان نشان دهید؛ از حرف اطرافیانتان که گاهی تلاش دارند شما را نسبت به حضور در این جایگاه بالارزش سرد کنند فاصله بگیرید و به آنها نشان دهید که شما با مال نه، بلکه با خدای بالا سرتان معامله کرده اید و نه تنها که لحظه‌ای بخاطر مسائل مالی ناراحت نیستید بلکه خوش حالید، چرا که مورد اتهام قرار نمی‌گیرید که بخاطر ثروت روانه‌ی این شغل شدید و فقط بحث عشق و علاقه به این شغل بوده...

به امید روزی که مشکلات کنار رفته و شما با عشق هزار برابر، طوفان‌های جلوی خود را محو کنید و همیشه راهنمای دانش‌آموزان خود در سرتاسر زندگی باشید.

عباس محمدی



هفتم فرودین ماه امسال، پس از سفر وزیر خارجه چین به تهران، سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین به امضای وزیرای خارجه دو کشور رسید. سندی که پس از سفر رئیس‌جمهور چین به کشورمان در سال ۹۴ و دیدار با رهبر معظم انقلاب در دستور کار مقامات دو کشور قرار گرفت و بیشتر در حوزه همکاری‌های اقتصادی از جمله سرمایه‌گذاری چینی‌ها در حوزه نفت و پتروشیمی و حمل و نقل کشورمان است. نهایتاً در تیرماه ۹۹ پیش‌نویس این سند همکاری در هیأت دولت بررسی و تایید شد و به مرحله امضا رسید؛ اما اعتراض رئیس‌جمهور سابق به این سند، دال بر مخفی بودن جزئیات آن باعث حساسیت افکار عمومی نسبت به این سند شد و بحث‌ها و شایعات داغی نیز در فضای مجازی که اکثراً

جزو اخبار زرد و بی پایه محسوب می‌شدند مورد توجه قرار می‌گرفت؛ تجربه تلخ برجام و شفاف نبودن متن سند همکاری بر ابهامات می‌افزود و بازار شایعه و اخبار صد من یک غاز از جمله واگذاری جزیره کیش به چینی‌ها داغ بود. نهایتاً این سند با عمومی شدن کلیات حوزه‌های همکاری به امضا رسید. این سند به دلیل الزام‌آور نبودن مفاد آن برخلاف برجام نیاز به تصویب در مجلس نداشت. حال در بین افکار عمومی مطرح است که آیا واقعا این سند همکاری به نفع ماست؟ آیا استقلال کشورمان را خدشه دار نمی‌کند؟ و سوالات دیگر که سوالات به جایی است برای من نگارنده هم مسئله به خوبی روشن نبود اما به قرائنی یافت می‌شود که این سند به ضرر ما نخواهد بود یکی

از این قرائن، جیغ بنفش کسانی بود که چهل سال گذشته علیه این کشور و نظام توطئه کرده واز هیچ راهی برای ضربه زدن به مردم عزیزمان و این کشور عزیز، دریغ نکرده‌اند دولت امریکا و رئیس‌جمهور آن که شدیدترین تحریم‌ها را علیه کشورمان اجرا کرده است در اولین واکنش درباره این همکاری ابراز نگرانی کرد.

قرینه دیگر جیغ و داد کسانی بود که ذره‌ای به اعتقادات دینی و مذهبی اهمیت نمی‌دادند و حتی دشمنی با دین و مذهب داشتند اما به یکباره در فضای مجازی به آیه قرآن در رد این سند استناد می‌کردند و یا جالب‌تر که بازیگر معلوم الحال خارج نشین به صحیفه امام استناد می‌کرد و سعی بر تشویش اذهان عمومی داشت.

در بین سیاسیون کشور و افرادی که بیشتر مطلع هستند این همکاری مورد استقبال

گرفت و در فضای سیاسی کشور اعتراض شدیدی به این همکاری نبود جز نگرانی‌هایی درباره جزئیات همکاری‌ها؛ اما همان‌طور که گفته شد این سند فقط سند همکاریست و الزام اجرایی ندارد باید دید در آینده چه خواهد شد آیا طرفین اجرای همکاری‌ها را پیگیری می‌کنند یا حتی دیدگاه دولت آینده ایران چه خواهد بود. علی‌ای حال آنچه که معلوم است هیچ‌کسوری توان خدشه دار کردن و آسیب به استقلال و تحمیل خواسته‌های نابجای خود را به کشورمان به جمهوری اسلامی ایران با وجود رهبری آگاه و شجاع و ملتی مقاوم و سرافراز نداشته و نخواهد داشت و به این صحبت‌های فروش ایران و خزعبلات دیگر را هر که صحنه را ببیند و کشورش و رهبر فرزانه آن و مردمش را بشناسد ارزشی قائل نخواهد شد.

قرارداد با شرقی‌ها



انتخابات ۱۴۰۰



عباس محمدی

کمتر از پنجاه روز دیگر، سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ۲۸ خرداد ماه برگزار می شود و هشتمین رئیس جمهور نظام جمهوری اسلامی، با رای مردم اختیارات بسیار زیاد و مهم قوه مجریه را بدست می گیرد . گروه های سیاسی و افراد مختلفی هم از ماه ها قبل فعالیت های خود را آغاز کرده اند تا فرد مورد نظر خود را راهی پاستور کنند. این کارزار حساس و مهم ، صحنه رقابت سه جریان اصلی اصلاحات و اعتدالیون با سازکار انتخاباتی ناسا و ریاست فرد نه چندان خوش نامی به نام بهزاد نبوی می باشد؛ اصولگرایان که خود را نیروهای انقلاب می نامند با دو شورای وحدت به ریاست ایت الله موحدی کرمانی و شورای اعتلاف نیروهای انقلاب به ریاست حداد عادل که این دو احتمالا به یک ساز و کار واحد تبدیل خواهند شد و جبهه پایداری نیز احتمالا جزو همین ساز و کار خواهد بود و جریانی با محوریت رئیس جمهور پیشین محمود احمدی نژاد موسوم به جریان بهار که شاید برخی ان را جریان ندانند اما به راحتی توان رقابت وشکست دادن دو رقیب دیگر را دارد.جریان اول یعنی اصلاح طلبان با توجه به عملکرد افتضاح دولت مورد حمایت آنها در عرصه های مختلف اقتصادی و نابسامانی های وضع معیشت مردم ، به اذعان خودشان شانس زیادی برا پیروزی ندارند اما گاهی اوقات احتمالا با خود تکرار می کنند که در نامیدی بسی امید است جریان دوم یعنی اصولگرایان ، شامل شورای وحدت و شورای اعتلاف نیروهای انقلاب و پایداری ها، امید زیادی به پیروزی دارند و احتمال پیروزشان نسبت به جریان اول بیشتر است اما چالش هایی نیز دارند از جمله امکان عدم حضور ایت لله رئیسی در انتخابات که باعث تعدد کاندیداهای این جریان خواهد شد و جریان بهار، که در صورت عبور از چالش مهمش یعنی احراز صلاحیت ، کار را برای دو رقیب دیگر سخت خواهد کرد .احراز صلاحیتی که با توجه به نظرات و موضع گیری های سابق بعضا نابجا رئیس جمهور پیشین و سابقه رد صلاحیت او در سال ۹۶ سخت به نظر می رسد. این جریان در صورت تایید صلاحیت کاندیدای مورد نظرش حتی باعث ریزش بدنه سیاسی و اجتماعی جریان دوم خواهد شد.

اما اینها صحبت های فرع است آنچه که مسئله مهم انتخابات ماست مشارکت بالا و انتخاب فرد شایسته است . دولت دوازدهم با مجموعه اقدامات و عملکرد بسیار نارضی کننده خود در حوزه های مختلف مخصوصا آنچه اثر عمیق در زندگی مردم به عنوان ولی نعمتان نظام اسلامی می گذاشت از جمله کاهش بی سابقه ارزش پول ملی ، تورم ، از بین رفتن سرمایه های مردم در بورس، گرانی وحشتناک خودرو مسکن و مایحتاج عمومی ، صف های مرغ و گوشت و امثالهم عدم موفقیت در سیاست خارجی عمل نکردن به وعده های انتخاباتی و موارد دیگر باعث ایجاد ناامیدی در میان مردم شده و مجموعه

این عوامل زمینه مشارکت پایین را فراهم کرده است.مشارکتی که پشتوانه نظام مقدس جمهوری اسلامی است.

رهبر معظم انقلاب در ۲۹ بهمن ۹۹ فرمودند :

انتخابات در کشور ما یک فرصت بسیار بزرگ است و نباید از دست داد. مخالفین جمهوری اسلامی نمی خواهند از این فرصت استفاده شود. این یک امکان برای ملت است. یک ظرفیت بزرگ برای پیشرفت کشور است. شور انقلابی مردم را نشان می دهد وقتی مردم در انتخابات شرکت کنند و شور خود را نشان دهند موجب امنیت کشور و پس زدن طمع دشمن می شود. هرچه انتخابات پرشورتر و با اقبال عمومی مردم بیشتر همراه شود اثرات و منافعش ، برای کشور و مردم بیشتر خواهد بود.

همانطور که رهبر انقلاب (مد ظله العالی) فرموده اند حضور پرشور مردم و مشارکت آنان موجب امنیت کشور و پس زدن طمع دشمن می شود .

انچه بیش از چهل سال این نظام وکشور را از مکرها و تعدی های دشمن نگاه داشته است حضور مردم در صحنه های سیاسی و اجتماعی و پشتیبانی آنها از نظام اسلامی و ارزش های دینی بوده است که جلوه های مختلف آن را در هشت سال دفاع مقدس انتخابات ها و موارد دیگر می توان دید .بنابر این تمام هم وغم نیروهای سیاسی و اجتماعی کشور باید به تعبیر رهبری امید آفرینی باشد تا زمینه حضور پرشور مردم به عنوان ولی نعمتان نظام اسلامی که مجموعه اقدامات دولت باعث سرخوردگی و ناامیدی آنها شده در انتخابات فراهم شده وطمع دشمنان از آسیب به کشور بریده شود ونهایتا دولتی با سرمایه عظیم اجتماعی سکان امور را به دست بگیرد. مسئله مهم بعدی انتخاب شایسته ترین فرد است که رهبر معظم انقلاب شاخصه هایی را برای تشخیص این فرد یا به قولی کاندیدای اصلح مطرح کرده اند ایشان در سخنرانی ۲۹ بهمن ماه انتخابات پرشور همراه با انتخاب فرد کارامد ، بالایمان، پرانگیزه و علاقه مند به کار را نور علی نور نامیدند و این امر را تضمینی برای آینده کشور برشمردند؛ و در سخنرانی نوروزی خود شاخصه های دیگری را مطرح کردند که در بیاناتشان پیداست: به نظر میرسد هر کسی که به دنبال سعادت کشور است یک چنین رئیس جمهوری میخواهد. اولاً باکفایت باشد، دارای مدیریت باشد. ثانیاً بالایمان باشد؛ اگر بی ایمان بود، نمیشود به او اعتماد کرد؛ آدم بی ایمان کشور را، منافع کشور را، مردم را یک وقتی میفروشد؛ پس بالایمان باشد. بعد، عدالت خواه باشد، ضد فساد باشد؛ این یکی از مهم ترین خصوصیات است که بایست در رئیس جمهور وجود داشته باشد که به معنای واقعی کلمه به دنبال اجرای عدالت باشد و به معنای حقیقی کلمه با فساد بخواهد مبارزه کند. دارای عملکرد انقلابی و جهادی باشد، یعنی با عملکرد اتوکشیده نمیشود کار کرد؛ با این همه مسائل اساسی ای که در کشور وجود دارد، یک حرکت جهادی و انقلابی لازم است؛ بایستی عملکردش این جوری باشد. در هر دوره انتخابات افراد زیادی احساس تکلیف کرده و وارد میدان می شوند که شاید تنها تعداد کمی شایسته و در قامت ریاست جمهوری باشند مسئولیتی که شاید همان کسانی که رییس جمهور بوده اند بتوانند سنگینی بار ان را درک کنند. علی ای حال این احساس تکلیف امری شخصیت و ما مردم باید هوشیار باشیم تا خدای نکرده پدرخوانده ها و تکرار کننده ها برایمان تعیین تکلیف نکرده ویا توجه به شاخص های بسیار خوب وغریبال کننده ،رهبری امور زندگیمان را به دست کسی بسپاریم که به معنای واقعی کلمه شایسته و اصلح باشند . حال امروز وظیفه من و شما ی دانشجو که این مطلب را می خوانی تلاش برای بالا بردن مشارکت و انتخاب شایسته ترین فرد یا به قولی اصلح است مباد که سلبریتی ها و هرموجود بی سواد وبی خبری دوباره وارد صحنه شده و در عین بی سواد ی خود انی را به سرمان بیاوردند که به سرمان امد هان ای برادر آنچه که سنت الهی وتخلف ناپذیر است تغییر سرنوشت یک قوم منوط به تغییر و عمل خود ان قوم است...شرایط کرونا امسال میتینگ ها و تجمعات انتخاباتی را به محاق خواهد برد و صحنه تقابل ها و تبلیغات فضای مجازی از جمله اینستاگرام خواهد بود باید هر کسی که توانی در این فضا دارد خود به مشارکت وانتخاب ان فرد اصلح کمک کند . انشاءالله با تلاش من و شما پس از هشت سال سختی این مسئولیت خطیر به اهلش سپرده شود

منشور دانشجو معلمیسم!!!



محمد موسوی



متن زیر جنبه طنز داشته و قصد اهانت به هیچ شخصی را ندارد!

در میان انبوه مکاتب فلسفی، مکتب دانشجو معلمیسم بر تارک جهان می درخشد. از پیش قراولان این مکتب می توان به دکتر سیف، علی اکبر شون رو میگم، پیازه، ژان شون رو میگم و... اشاره نمود. خاستگاه این مکتب، دانشگاهی است به نام فرهنگیان. دانشجو معلمیست ها پس از گسترش ویروس کرونا در کلاس های آنلاین در حال حماسه آفرینی می باشند. اما حماسه ی بزرگتر در این بستر را پیروان مکتبی به نام استادیسم- یعنی استادیست ها- در حال رقم زدن هستند. در این میان هرگز خودم را نخواهم بخشید اگر از ایفای نقش بی بدیل بخش آموزشیسیم دانشگاه، در برنامه ریزی های جامع، دقیق و اصولی سخن نگویم و خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل. صحبت از حماسه های استادیست ها و دانشجو معلمیسم ها در کلاس های آنلاین بود که البته در شماره قبلی این جریده، برخی از آن ها را خدمتتان مرقوم نمودم. در اینجا به منظور اجتناب از اطناب کلام، فقط به ذکر یک نمونه جدید و نوبرانه بسنده می کنم:

*سکانس اول، شنبه، ساعت ۸ صبح: استاد: دانشجویان عزیز دوربین های سیستم ها و موبایل هاتون رو آماده کنید میخوام تصویرتون رو در کلاس داشته باشیم.

دانشجویان: نه!!!!!!

استاد: هر کسی تصویرش نباشه، غیبت می زنم.

*سکانس دوم، شنبه، ساعت ۸:۱۵ صبح: فعال شدن دوربین های دانشجویان به صورت همزمان همانا! ارور دادن سامانه و بیرون انداختن همه اعضای حاضر در کلاس همانا. نقل است پس از آن که این ماجرا به دانشجوییست های برخی از شهرهای جنوب شرقی آسیا مانند کوالالمپور و جاکارتا و همچنین استادیست های برخی از کشور های آفریقایی مانند گینه بیسائو، آنگوال و... رسید، به مدت سه روز سکوت اختیار کرده و بسیاری از آن ها در تیمارستان بستری شدند.

طبق بررسی های کارشناسانه شبکه چهار سیما، اکثر دانشجو معلمیست ها وقت خود را اینگونه تقسیم نموده اند: شرکت در کلاس های آنلاین، سرک کشیدن از سامانه گلستانیسیم، فضای مجازی، حضور در صف های

مرغ و در نهایت خواب. که این معضلی بس بزرگ است و در صورت صحت ادعای شبکه چهار، نیاز به یک اقدام کلیدی که از جنس کلید تدبیر و امید نباشد داریم. سخن بسیار است و مجال اندک؛ که اجازه شرح بیشتر در مورد مکتب دانشجو معلمیسم را نمی دهد. شاید در وقتی دیگر اگر فرصتی پیش آمد از مکتب دانشجومعلمیسم در قالب ادبیات جدی و به دور از طنز با هم به سخن بنشینیم. در داخل پرانتز عرض می کنم، مسئولان محترم به خوبی واقفند به اینکه؛ تا دستگاه تعلیم و تربیت در کشور اصلاح نشود، پیشرفت و تکامل قابل توجه در ابعاد مختلف پدید نخواهد آمد و تا مکتب دانشجومعلمیسم اصلاح نشود، نظام تعلیم و تربیت اصلاح نخواهد شد.

با آرزوی سلامتی برای همه ی همکاران عزیز در مکتب شریف و خطیر دانشجو معلمیسم!!!

ماه مبارک رمضان



الیاس رسولخانی



وارد مهمونی که شدم رنگ لباس مهمونا خیلی متفاوت بود! مگه همه مهمون خدا نبودیم؟! خب خدا بین بنده هاش فرقی نمی ذاره! مردی با چهره ی نورانی جوابم و داد بحرفت درسته عزیزم! اما اگه دقت کنی لباس ها یکسانه، اما رنگ ها متفاوته جسم ها یکسانه اما بوها متفاوته!

پرسیدم آخه این همه تفاوت چرا؟ مرد جواب داد: به نگاه به اون دسته بنداز هر چی جلوتر میرن لباس سفیدشون به سیاهی میره اینا همونایی هستن که پاکیزه وارد شدن اما در ادامه خودشون و با لکه های دروغ تهمت غیبت و ... سیاه کردن این دسته فلسفه ی ماه مبارک و فراموش کردن و با زبان روزه به فقرا خندیدن و هر گناهی انجام دادن؛ اون دسته خاکستری رنگ هم اونایی هستن که با کلی معصیت دعوت خدا رو قبول کردن اما موقع پیشروی کم کم آلودگی هاشون و شستن و به سمت سفیدی رفتن؛ این گروه سعی کردن خوب باشن و موفق هم شدن؛

دسته ی سوم افرادی هستن که لباسشون طلاییه این ها هم با لباس سفید وارد شدن اما انگاری قصد داشتن زیباتر خارج شن نماز هاشون درست، قرآن میخونن، دست بقیه رو میگیرن و ... این دسته در قلب و عمل به دنبال راه درست میگردن و سعی میکنن دریچه های بیشتری از این راه و باز کنن.

این مرد دسته های دیگه رو هم برام توصیف کرد؛ حرفهایش که تموم شد دیگه روم نشد به رنگ لباس خودم نگاه کنم، آخه میدونستم که کجا قرار دارم؛ با نا امیدی پرسیدم این رنگها تا آخر باقی میمونه؟! با لیخند گفت: نه این رنگها تا زمان حیات آدمآ و با توجه به اعمالشون متغیره. لیخند به لبم نشست پس هنوز کلی فرصت ارزشمند در انتظار منه که نباید از دست بدم. هم صحبت با این مرد بهم نشون داد ماه مبارک رمضان صرفا به روزه داری و نماز نیست بلکه اعمال ما آدمآ هم خیلی مهمه و عبادات این ماه با اعمال درست کامل میشه.

در واقع رمضان چهارچوبی برای پایان بدی ها نیست بلکه شروعی برای پایان دادن به خیلی چیزهاست. امیدوارم در ماه رمضان از برکات این ماه بهره مند بشیم و رفتار و اعمالمون هم، به بهترین حالت ممکن تغییر کنه.



دانشجو معلم مهارتی یا معیشتی



سجاد اسعدی



معلم می سوزد ولی نمی سوزاند، هدایت می کند و گمراه نمی سازد، معلم چراغ هدایت و کشتی نجات است. راهنمای خوبی ها، نیکی ها، هدایتگر و بیدار کننده است. در جایگاه و قداست معلمی همین کافی است که می گوییم معلمی شغل انبیا است و سرنوشت جوامع بشری تنها در دستان او مشخص خواهد شد. با این مقدمه اعتراف میکنم که قلم راندن در برابر شما بسیار برایم سخت شد.

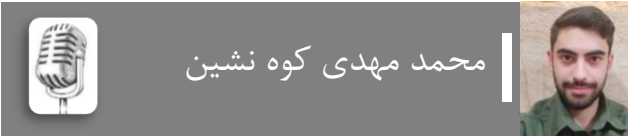
امروزه در تمام دنیا، معلم یکی از ارکان جامعه قلمداد می شود و در برنامه ریزی ها و اسناد توسعه کشورها تاثیرگذار است، این معلم است که تعیین می کند، جامعه چگونه می تواند به اهداف خود نزدیک شود و پیشرفت را تجربه کند. اما چگونه؟ آیا در کشور ما به این جایگاه معلم توجه می شود؟

به راستی یک معلم چگونه می تواند سرنوشت ساز باشد و اینچنین بر آینده یک کشور تاثیر بگذارد؟ نظریه پردازان و بزرگان حوزه آ. پ در زمینه های مختلف به این سوال پرداخته اند و ما نیز امروز می خواهیم معلمی را از دو جنبه بررسی کنیم! برخی معلمی را مهارت و برخی آن را شغل معرفی می کنند؛ با هر زاویه دیدی که به معلمی پرداخته شود تبعات مخصوص به همان دیدگاه نیز برایش متصور است. شخصی که معلمی را به عنوان یک مهارت در نظر می گیرد با توجه به فطرت انسانی خویش همواره در راه تعالی و رشد این مهارت میکوشد، هیچگاه خود را از یادگیری بی نیاز نمی بیند و همواره روح کمال گرایی را در وجودش زنده نگاه میدارد؛ اما شخصی که معلمی را فقط به مثابه شغل می بیند و به ابعاد دیگر آن کمتر توجه می کند نیز تاثیر ژرفی بر روند فعالیت و عملکرد معلمی خود می گذارد.

حال سوال اینجاست ماه عسل این دو سبک تفکر و زاویه دید نسبت به معلمی در جامعه امروز ایران چیست؟ آیا تا به حال از خود پرسیده اید که ذهن شما متمایل به کدام دسته است؟ اساسا خود را معلمی ماهر میپندارید یا معلمی شاغل؟!

امروز در سراسر جهان و به تبع آن ایران بحث معیشت و اقتصاد، تمام خانواده ها و به خصوص معلمان را درگیر خود کرده است، متأسفانه معیشت معلمان در کشور ما با حد مطلوبش فاصله معناداری دارد و این فاصله بر روند تدریس و عملکرد معلمان ما تاثیر بسیار زیادی داشته است اما آیا واقعا این تاثیر منطقی ست؟ آیا می توان تمام عملکرد یک معلم را به درآمد او گره زد؟ تا به حال با خود اندیشیده اید که به عنوان یک دانشجومعلم چگونه می توانید عملکرد خود را در کلاس بالا برده و بهره وری خود را دوچندان کنید؟ با کمی تعمق و تفکر در این موضوع مشخص در می آید که مهمترین عامل تاثیر گذار بر فرایند تدریس خود معلم است، دیدگاه اوست که تعیین کننده میزان انرژی، خلاقیت و اثربخشی تدریس او می باشد. قطعاً نمیتوان منکر تاثیر درآمد بر بهره وری و اثربخشی فعالیت معلم شد اما از طرفی ما نمی توانیم به خود اجازه دهیم که مسائل مالی به جایگاه و شان معلمان آسیب برساند، همه این ضرب المثل را شنیده ایم که می گوید ((حرمت امامزاده به متولی آن است)) این ما هستیم که میتوانیم با رشد خود جایگاه و شان معلمان در جامعه را افزایش دهیم کما اینکه در راه تلاش برای معیشت معلمان و پیگیری حقوق خود نیز دست از تلاش برنمی داریم.

خلاصه کلام این ما هستیم که می توانیم سرنوشت خود و جامعه را آنگونه که شایسته است رقم بزنیم. حال شما بگوئید دوست دارید معلمی شاغل باشید یا معلمی ماهر؟



محمد مهدی کوه نشین

«من زندگی را دوست دارم، ولی نه آنقدر که آلوده اش شوم و خویش را گم و فراموش کنم، علی وار زیستن و علی وار شهید شدن را دوست میدارم.

این سخن کسی است که هم معلم بود و هم مجاهد، هم فرمانده میدان نبرد بود و هم فرمانده قلوب رزمندگان، آری او محمد ابراهیم همت است فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله، معلم مجاهدی که اخلاصش زبان زد خاص و عام بوده و هست. همت راه دستیابی عشق متقابل خداوند را اخلاص می دانست . اعمال و رفتار و سرانجام شهادت ایشان مهر تأییدیست بر این تفکرشان .

بخشی از سخنان شهید ابراهیم همت:

«میخواهید خداوند عاشق شما شود: قلم میزنید برای خدا باشد، گام بر میدارید برای خدا باشد، سخن میگویید برای خدا باشد، همه چی و همه چی برای خدا باشد...»

آری اخلاص سکوی پرتابیست که انسان را به سوی معبود و معشوق پرتاب می کند و چه انسان هایی که با اخلاصشان راه صد ساله را یک شبه رفته اند. ارزش و اهمیت اخلاص را جز سالکان و عاشقان حقیقی درک نمی کنند. امروزه ریا، دورویی و نفاق در جامعه ما بیداد می کند چه در مراتب بالا و چه در مراتب پایین طوری که برخی از مسئولین به جای رسیدگی به مشکلات و نیاز های مردم ریش می گذارند، چفیه می اندازند و تسبیح میچرخانند و بطرز عجیبی در مجالس و محافل عمومی ذکر می گویند و همین افراد از هیچ تلاشی برای ضربه زدن به اسلام و انقلاب فروگزاری نمی کنند!!!

بخشی از وصیت نامه شهید محمد ابراهیم همت:

شهادت در قاموس اسلام کاری ترین ضربات را بر پیکر ظلم، جور، شرک و الحاد می زند و خواهد زد. ببین ما به چه روزی افتاده ایم و استعمار چقدر جامعه ما را به لجنزار کشیده است، ولی چاره ای نیست این ها سد راه انقلاب اسلامی اند؛ پس سد راه اسلام باید برداشته شوند تا راه تکامل طی شود...

امیدوارم راه و رسم همت هارا فراموش نکنیم
و عامل آن باشیم، و شهدا را به خاک نسپاریم بلکه به یاد بسپاریم.



شهید معلم شهید غیرت



قصه‌ی یتیم شدن امت

سجاد موسوی



السلام عليك يا اميرالمومنين

امان از بی پدری و یتیم شدن.. امان از بی امام شدن.. امان از جهالت ما انسان ها که بسیار کمرشکن است و دردآور...

قصه ی شب های قدر ؛ قصه ی یتیم شدن ماانسان هاست قصه ی بی امام شدن ...

امام!

امام!

امام!

وای که چقدر ما سرسری ازاین واژه عبورمی کنیم...!

چرا معنای امام بین ما اینقدر سطحی جلوه می کند؟! نمی خواهیم لندکی تامل کنیم؟ مگر انسان بدون آرمان والگو می شود؟

معلوم است که نه ! انسان لاجرم باید کسی را در افق دید خود داشته باشد؛ حالا اگرکسی افقش، امامش نباشد مجبوراست کسانانی را قبله خویش قراردهد که جز پوچی وبی محتوایی حاصلی برای او ندارند.

واین یعنی باختن کل زندگی...

به راستی چرا ما از درون احساس نیاز به ضروری ترین مسئله ی زندگی مان نمی کنیم؟

چرا ما از دلدادگی به امام محرومیم؟وبه لذت های پست و کوتاه مدت بسنده کرده ایم؟

ریشه بی اعتنائی ما به امام را می توان در روزمرگی ما جست وجو کرد.

چراکه ما خیال می کنیم امروزی فکر کردن کلید خوشبختیست.

ودائما دردوگانه تفکر امروزی و تفکرسنتی؛ طرفدار تفکر نو وامروزی هستیم درحالی که درد همین است که امروزی فکرمیکنیم ونه ابدی!

در جهان امروز، دوگانه امروزی فکر کردن یا ابدی فکر کردن جاری است.

واین است که مسیر زندگی هارا مشخص می کند!

مشکل ازماست که فقط جلوی پایمان را می بینیم وحاضر نیستیم چشم اندازمان راوسیع ترکنیم.

انسانی که فقط امروزی فکر می کند را چه نیازی به امام؟!

او دنبال پوچی است و امام دنبال خارج کردن از پوچی.

اما اگر ابدی فکر می کردیم؛ و اگر ابدی زندگی می کردیم؛ متوجه بودیم که امام ضروری ترین مسئله حیات ماست.

چون فقط اوست که ابدیت ما را تامین میکند و مارا از پوچی می رهاند.

وکم کم دلداده او می شدیم.

یک سوال ! شما امروزی فکر می کنید یا ابدی؟

و این علی علیه السلام است که افراد مشتاق به ابدیت و هراسان را از روزمرگی ها رها و به حیات ابدی می رساند!

علی روح وجان عالم است.

علی مسیر توجه به خداست .

تاکنون فکر کرده اید چه رازی در میان است که علی علیه السلام در خود کعبه، که مردم باید دور آن طواف کنند وازاین میاید؟

طریق متوجه حضرت الله باشند به دنیا میاید؟

چه سری درمیان است که علی در محراب عبادت که نماد توجه به حضرت الله هست به شهادت میرسد؟

چه رازی درتاریخ شهادت علی علیه السلام وجود دارد؟ چرا باید در شب های قدرکه انسان ها تشویق شده اند توجه بیشتری به حضرت الله بکنند؛ به شهادت برسد؟

بین علی و این ها چه سری وجود دارد؟

خدا چه می خواهد به ما انسان ها بفهماند؟

آری...

علی علیه السلام همان صراط مستقیمی است که ازان طریق می توان به خدا معرفت پیدا کرد .

کعبه بدون علی

محراب بدون علی

لیلہ القدر بدون علی

همچون ظاهری است بدون باطن؛ کالبدی است بدون روح ...

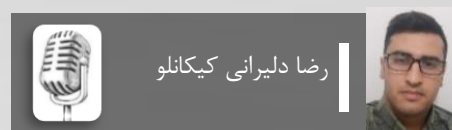
عبادت یعنی توجه به خدای نامحدود و علی علیه السلام جان عبادت است!

در شب های قدر از طریق علی علیه السلام بار ابدیت مان را ببندیم ...

دانشجویان

و

واکسیناسیون



رضا دلیرانی کیکانلو

دانشجویان بسیاری می گویند:
واکسیناسیون را انجام دهید اما سوال
اینجاست به چه دلیل؟

آیا از وضع خود راضی نیستند؟!

آنها عصبی اند که چرا واکسیناسیون آغاز
نمی شود؟! یکی نیست به آنها بگوید:
شما چرا؟! اگر این بیماری برای دیگران
سودی نداشت برای شما حسابی نان و
کباب داشت! (جای نشسته مدرک می
گیرید)

البته این سخنان آنها در مقابل یکدیگر
است، وبا فضای واقعی کاری ندارد،به
اصطلاح حرف های بند تنبونی(سخنانی
که جنبه عملی ندارد) دستشان از هر نوع
عامل دفع بیماری قطع شده و این را می
گویند. وگرنه که چه کسی بهتر از وضع
آنان را دارد!

جالب اینجاست که هرکدامشان به
کاری مشغول اند،و زمان هم کم می
آورند،برای شرکت در کلاس های
مجازی باز می گویند: کی واکسیناسیون
آغاز می شود وما راهی دانشگاه می
شویم؟! شما که در کلاس های مجازی
عدم حضورتان به حدی رسیده که باید
از الطاف الهی بهرمنند شوید وگرنه
کارتان تمام است...وقت دوساعت کلاس
در روز را ندارید، بعد دانشگاه ۲۴ ساعته
حضوری را می خواهید چه کار؟!

حتما پاسخ قاطعی دارند و می
گویند:مجبوریم...بله،شما جز حقیقت
چیزی نمی گوید...

منزل نشستید،گوشی به دست،زیر
پتو،از همه مهم تر بدون لباس
رسمی...بعضی اوقات نمی فهمید که
کلاس شروع شده یا تمام...زیرا در
سیر و سلوک عارفانه خود به سر برده
یا خواب بوده اید.آیا کسی به شما می
گوید که چرا خوابیده اید؟اصلا،کسی
هست که بگوید?...چرا ناشکری می
کنید...چرا به سخنان حافظ توجه نمی
کنید!!

غم دنیای دنی چند خوری...

حیف باشد ،دل دانا که مشوش باشد

زندگی خرج دارد...۴۵درصد از همه
مهم تر!

البته خوابگاه چیز کمی از جایی که

هستیم ندارد.همین مشکل بود که
سرکلاس ها حضوری می رفتیم، اگر
خوابگاه بودیم مجازی کمی بهتر می
شد...

سازمان بهداشت اعلام کرده،که
واکسیناسیون از مهر انجام می شود، در
نهایت دانشگاه باز می شود.باید با دانش
جویان مشورت می کرد ومانده ام
آموزش و پرورش چرا قبول کرده بدون
مشورت با دانشجو این کار را انجام
دهد، زیرا دانش جویی که تا لنگ ظهر
خوابیده سخت نیست ساعت هفت به
کلاس رود؟!...به این دلیل هفته اول و
دوم مهر از همین الان تعطیل
است!...هرکدام از دانش جویان به
کلاس روند،مورد نفرین دیگران قرار می
گیرند. به اصطلاح می گویند:
خداوند گناهکاران را به سزای اعمالشان
می رساند.البته این گروه از دانش
جویان جزو رستگاران پایان ترم
هستند.

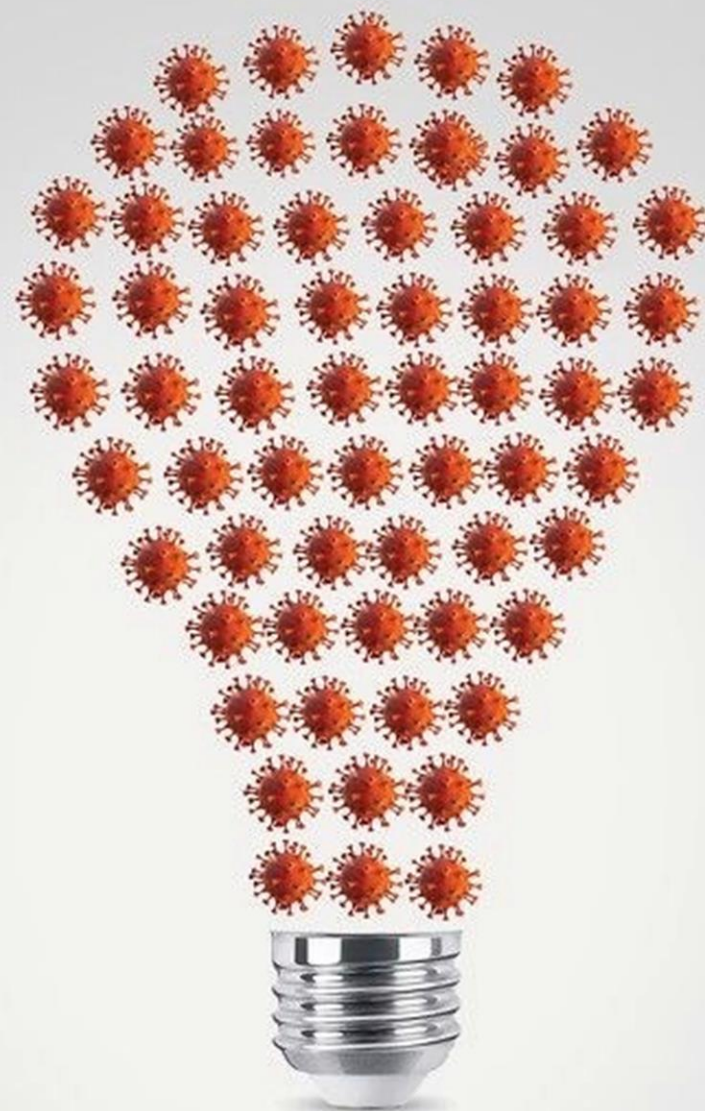
زیرا طالب علم بودن خود را از همان
اول و آخر اثبات کرده اند.آخر؟

آری،دانش جویان دیگر معمولا یکی دو
هفته از آخر را این گونه با خواهش می-
خواهند به اتمام برسانند. استاد لطف
فرمایید جزوه ۵ صفحه ای بدهید! که
هم خودتان اذیت نشوید و هم دانش
جویان...این کار یک ماه مانده جواب
نمی دهد مگر شب امتحان و اصرار های
همان رستگاران عملی شود...

البته بنده خدا استاد، هم گاه گاهی که
از روی لطفی که به دانش جویان دارد
یک صفحه می دهد و می گوید:همین
است بخوانید...و امتحان دهید...با این
وجود پاسخ های مشترک دانش
جویان در فضای مجازی قلب استاد را
به درد می آورد

از همه اینها که بگذریم، امیدوارم که تا
مهر واکسیناسیون انجام شود. قولی که
وزیر بهداشت داده تا از شر این ویروس
منحوس و منفوررها شویم. غرض بنده
از فراهم آوردن این متن ایجاد لحظه
ای دور از این وضعیت بود و قصد هیچ
توهین و استهزا را نسبت به هیچ یک
از نهاد و ارگانی نداشته ام.

به امید روزی که این بیماری از تمام
جهان رخت ببندد.



CORONA

OFF



مهدی رحیمی تشی



حضرت خدیجه (س)از زنان ثروتمند قریش بودند طوری که به ایشان لقب سیده ی قریش را داده بودند، حضرت خدیجه زنی با ثروت فراوان عشق خود را در پاکدامنی و امانتداری پیامبر عظیم اسلام دیدندا و با ازدواج با پیامبر (ص) رستگار گشته و نتیجه ی این ازدواج به دنیا آمدن دخت نبی اکرم حضرت فاطمه (س)بود.

حضرت خدیجه نهایت در دهم ماه رمضان و در سال دهم بعثت چشم از جهان دوختند این همان سالی بود ک ابوطالب عموی پیامبر نیز فوت شدند! و باعث رنجش شدید پیامبر گشت.

حضرت خدیجه اولین بانوی مسلمان که در رشد ونمو دین اسلام تاثیر بسیاری گذاشتند.

حضرت خدیجه نماد عفت ،پاکدامنی ونجابت وبخشندگی بودند؛در دورانی که پیامبر با تنگناهای بسیاری رو به رو شدند و این حضرت پا به پای ایشان برای اعتالی دین مبین اسلام تلاش بسیار کردند.

ان حضرت به واسطه ثروت خود در در جذب مردم به دین اسلام وگسترش آیین خجسته ی اسلامی بی بدیل عمل کردند.

در این برهه از تاریخ ک تمام جهان من جمله جوامع اسلامی درگیر بلای بی مانند کرونا شده اند چه زیباست که این اسوه ی فداکاری رو سرلوحه ی عمل خود قرار داده و با عمل صالح و کمک مومنانه دستگیر افراد نیازمند باشیم.

پندانه

دلنویشته



امیرحسین علی نیا



کودک به آرامی در امتداد مسیر چشمه قدم می زد...از صدای پرنده ها و آهنگ زیبایی که از برخورد آب به سنگ های درشت و کوچک و غلطیدن آن ها در آب ایجاد میشد لذت می برد...برای چند دقیقه فارغ از همه ی سختی ها و مشکلات دنیا فقط به زیبایی های آن فکر می کرد.قهر کردن را بلد نبود!...توهین را از کسی نیاموخته بود؛...هیچ خشمی در درونش موج نمی زد و با خودخواهی مردم را قضاوت نمیکرد!...او با دنیا و انسان های آن آشتی بود.همانطور که با خودش آشتی بود... دقیقاً مثل یک آئینه صاف و براق،اما هرچه بزرگ و بزرگتر شد آئینه وجودش مات تر و کدر تر شد؛دیگر با انسان ها آشتی نبود، به جای شنیدن صدای آب و پرندگان، غیبت و دروغ می شنید؛ به جای قدم زدن کنار چشمه،در اتاقی کوچک خودش را حبس کرده بود...و به جای دست نوازش پدر بر سرش،و آغوش گرم مادرش،تازیانۀ های حرف مردم و نیش نگاه های ترحم آمیزشان،مدام روحش را تاریک و تاریک تر میکرد؛ از خودش می پرسید گناه من چیست؟! چه کاری کردم که باید سرنوشتم این باشد؟! ذهنش مملو از این سوال های بی جواب بود؛ با خودش می گفت آیا می شود روزی من هم روی خوش زندگی را ببینم؟یا اینکه مانند روزگار کودکی ام دوباره کنار آن چشمه زیبا قدم بزنم و صدای آب و آواز پرندگان مرا از خود بی خود کند؟

اما جواب بله به این سوال ها برایش فقط یک رویا بود... جوانی تنها و بی تجربه،با دلی شکسته در پیچ و خم جاده ی زندگی، بدون هیچ پشتیبانی،بدون راهنما و با کوله باری خالی از امید، فقط به دور خودش می چرخید و هر بار به نقطه اول می رسید. شادی برای او معنایی نداشت و تنها چیزی که آن را عمیقاً درک می کرد تنهایی و غم بود...

همه ی این ها حاصل خودخواهی و غرور والدینش بود؛ حاصل کم توجهی، حاصل عدم احساس مسئولیت و نبود ذره ای محبت...

شما پدر و مادرها تاثیرگذار ترین افراد در زندگی کودک هستید؛ کودکی که بالاچار قدم در این دنیا گذاشته است او هیچکس را جز شما در این دنیای تازه ندارد که به او تکیه کند. اکثر کودکانِ کار و نوجوانانی که در سن کم دچار اعتیاد به مواد مخدر می شوند پدر و مادری ندارند و یا فرزند طلاق هستند.با جدایی پدر و مادر ها کودک دچار افسردگی شدید می شود و در نتیجه بر اثر کمبود محبت و تنهایی به سمت هرانسانی که ذره ای به او محبت کند کشیده می شود و عزت نفس و غرورش پایمال می شود و در نتیجه تن به هر امری که از او بخواهند می دهد.این کودکِ بی گناه نباید تاوان گناهان و تصمیمات غلط شما را بدهد و به جای شما غذاب بکشد.خداوند با دادن فرزند،امانتی را به دست شما می سپرد پس شما وظیفه دارید امانت داری کنید!شما باید گاهی بخاطر فرزندان از خیلی از مسائل گذشت کنید. نباید او را بازپچه دست خودتان و دیگران کنید. او یک سنگِ سخت و بی روح نیست بلکه بالعکس بسیار آسیب پذیر است. این کودک از هر رفتارِ شما الگو می گیرد و در آینده اش تاثیر گذار است. پس قبل از هر تصمیمی، به این فکر کنید که این انتخاب چه تاثیری بر زندگی آینده فرزندانتان خواهد گذاشت. به امید اینکه هیچ فرزندی شانه های خالی پدر و مادرش را احساس نکند و هیچ کودکی قربانی امر طلاق نشود.

اردوهای عشق



محمد الهامی



فعالیت های دانشجویی بعد از شیوع ویروس کرونا و تعطیلی دانشگاه ها و حرکت آموزش عالی به سمت آموزش مجازی دچار شوک عظیمی شد؛ زیرا مسلمان اصلی ترین رکن فعالیت های دانشجویی، دانشجوی می باشد که با توجه به شرایط به وجود آمده دسترسی به دانشجویان دانشگاه بسیار سخت شده است اما با لطف خدا و عزم جدی دانشجو معلمان بسیجی، بسیج دانشجویی توانست بعد از اندکی تامل، خود را با شرایط جدید وفق دهد و فعالیت های خود را از سر بگیرد و با برگزاری کارگاه های علمی-تخصصی، اردوهای جهادی - تربیتی و... جو فعالیت های دانشجویی را از انزوا دور کند .

مسلم است که با شیوع ویروس کرونا نظام آموزش و پرورش استان با معضلات جدی روبرو شد که این معضلات در مناطق حاشیه شهر بسیار مشهود است زیرا بنا به شرایط موجود مدارس در آن مناطق تعطیل شده است و سطح زندگی عموم مردم آنجا شاید پاسخگوی خرید تبلت و مهیا کردن بستر آموزش مجازی برای فرزندان خود نباشد؛ این بود که بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان تصمیم گرفت در این مسئله ورود پیدا کنند و با شبکه سازی دانشجویهای بسیجی و استفاده از مهارت های تخصصی آن ها که تربیت انسان می باشد، در چهار منطقه در چهار شهرستان استان ،حضور مستمر پیدا کند .

خدا را شاکریم که در طول این چهار ماه به صورت مستمر در این مناطق حضور داشتیم و اگر خداوند توفیق بدهد و دانشجو معلمان عزیز عزم خود را جزم کنند، روز به روز مناطق بیشتری را تحت پوشش خود قرار خواهیم داد .



بعد از گذشت چهار ماه از اردوی جهادی در مناطق حاشیه شهر، گروه جهادی شهید محمد حسن علی نیا جهت آشنایی دانشجو معلمان عزیز با شرایط تدریس در روستاهای محروم و کلاس های چند پایه تصمیم به حضور موقت در منطقه غلامان گرفت؛ که واقعا تجربه جدید و شیرینی بود که انشالله این نوع فعالیت ها نیز استمرار خود را از دست ندهد .

دانشجو معلمان با حضور خود در کلاسهای چند پایه علاوه بر محک زدن سطح توانایی های خود، جهت تربیت انسان، با یک سری مسائل جدید در تدریس چند پایه آشنا شدند که با برگزاری کلاس های آموزشی در هر بعدازظهر سعی در پاسخگویی به این مسائل را داشتیم. انشالله قصد داریم در آینده سلسله کارگاه های آموزشی-تخصصی برای دانشجو معلمان برگزار کنیم که دانشجو معلمان برای نوبت های بعدی با قدرت بیشتری با به عرصه جهاد تعلیم و تربیت بگذارند و بتوانند هرچه بیشتر مثمر ثمر باشند .

بسیار خرسندیم که در این اردو حدود ۴۰۰ دانش آموز را تحت پوشش خود قرار داده و به تک تک آن ها بسته های آموزشی خودآموز بسته های فرهنگی تقدیم کرده ایم .

اکنون بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان با فراق باز پذیرای دانشجو معلمان محترم می باشد تا با شرکت در فعالیت های بسیج دانشجویی اول از همه باز رشد خود و به طبع آن تحول نظام آموزش و پرورش کشور شوند.



عدم میزبانی

یوز های ایران

مهدی مارامائی



شاید هیچ رویدادی در دنیای امروز نتواند چنین استعاره مفهومی را به رخ بکشد و همانند فوتبال خود را بر زندگی ها تطبیق دهد؛ فوتبال یعنی که قدر دقایق را بدانی و فرصتی را که از دست میدهی تو را بدون افسوس به جستجوی فرصت‌های بعدی بکشاند، استعاره‌ای مفهومی تر از فوتبال هست که نفس نفس زدن‌های زندگی را در تپش‌های قلب‌های بیقرار نشان بدهد.

سیاست‌وصله‌ای که با چسبیدن به جامعه‌ی ورزش از زیبایی‌های آن کاسته است؛ واژه‌ای که سوال‌های نامتناهی پشت سر خود می‌آورد آیا سیاسی بودن ورزش خوب است؟ یا بد؟ یا در شرایط امروز جهان ورزش می‌تواند راه خود را از سیاست جدا کند یا نه؟

کشورهای مختلف در دنیای امروز از فوتبال و ورزش به عنوان یک وزنه سیاسی، جهت پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند و این مسئله بر کسی پوشیده نیست؛ اما نوع بهره‌گیری از ورزش در مسیر سیاست است که حائز اهمیت می‌باشد؛ کشورهای اروپایی از حداقل نفوذ سیاسیون، تصمیمات ورزشی و چگونگی اداره فدراسیون‌های ورزشی خود برخوردار هستند اما در سوی دیگر از پتانسیل ورزش در جهت اهداف سیاسی خود حداکثر استفاده را می‌برند در هر حال امیدواریم مدیریت راهبردی و اجرایی ورزش کشور به اهالی فن و افراد متخصص در امر ورزش سپرده شود تا تغییرات بنیادی در ورزش کشور صورت پذیرد.

مطالب فوق مقدمه‌ای بود برای شروع این ماجرا، حتماً قضیه سلب حق میزبانی از ایران را شنیده اید؟! آیا دلایل فنی عامل سلب حق میزبانی شد یا دست‌هایی در پشت پرده وجود دارد؟ در آخرین روزهای سال ۹۹ فوتبال ایران دچار شوک دیگری شد با اعلام کشورهای میزبان در مسابقات مقدماتی جام جهانی و لیگ قهرمانان آسیا، از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا نام کشورمان باز از سرفصل‌ها دور ماند و شائبه‌های زیادی را در خصوص نفوذ کشورهای حاشیه خلیج فارس در اfc پیش آورد؛ در این خصوص و برای روشن شدن چگونگی تصمیمات این نهاد گفتگویی که با ناظر سابقه afc صورت گرفته را بررسی می‌کنیم.

سوال اول- دلایل عنوان شده از سوی afc برای سلب میزبانی کشورمان در مسابقات چیست؟ شکی نیست که کنفدراسیون فوتبال آسیا تحت سیطره اعراب حاشیه خلیج فارس قرار گرفته و نمی‌شود تأثیرات آنان را نادیده گرفت اما afc همیشه به دنبال کوچکترین بهانه‌ای بود تا بتواند کشورما را از داشتن امتیازاتی محروم یا محدود کند، اما مسائلی نیز وجود دارد که خود بهانه‌ای را در دست کنفدراسیون می‌دهیم و باعث می‌شود گوی و میدان را تحویل رقیبان عرب زبانمان بدهیم یکی از این موارد یا بهانه‌ها بحث حق پخش تلویزیونی است که به هیچ عنوان در فوتبال کشورمان رعایت نمی‌شود در گذشته نحوه قرارداد و اجرای حق پخش که بین صدا و سیما و شرکت‌هایی که انحصار حق پخش تلویزیونی فوتبال آسیا را در اختیار داشتند به صورت تئتری انجام می‌شد.

این یعنی بازی‌هایی که به میزبانی طرف خارجی برگزار می‌شد کنفدراسیون، سیگنال رایگان در اختیار صدا و

سیما قرار می‌داد اما در حال حاضر با توجه به اینکه مسابقات به صورت متمرکز انجام می‌شود و رفت و برگشتی در کار نیست تهاتر فوق عملاً امکان‌پذیر نیست. سوال بعدی که در فضای مجازی هم بیشتر به آن اشاره شده، موضوع واکسینه شدن کشورهای حاشیه خلیج فارس است در حالی که در کشورمان این موضوع در فاز اولیه است؛ آیا می‌تواند دلیل پنهان سلب میزبانی باشد؟ این مورد نمی‌تواند جدی و مهم باشد چرا که بحرین، قطر و امارات دارای جمعیت‌های پایینی هستند و فرایند واکسینه شدن مردم این کشورها سریع خاتمه پیدا می‌کند در حالی که در کشور هند با یک جمعیت چند میلیارد نفری روبه‌رو هستیم که درصد بسیار پایینی از مردم خود را واکسینه کرده اما توانست میزبان یکی از گروه‌های لیگ قهرمانان را که پرسپولیس نیز جزو تیم حاضر آن گروه است به دست آورد؛ بنابراین بحث واکسیناسیون عمومی برای afc خیلی مهم نیست چه بسا که وضعیت کشورمان از هند بهتر هم هست.



دلایل زیاد دیگری وجود دارد که میزبانی را از ما سلب کنند، که بخشی از آن مربوط به ما و بخش دیگری نفوذ اعراب و سیاست‌های خارجه می‌تواند باشد، اما به نظر شخص بنده، نبود افراد کاربلد در راس امور کشوری و ورزشی نقش پررنگ‌تری نسبت به سایر مشکلات دارد یک مرور!

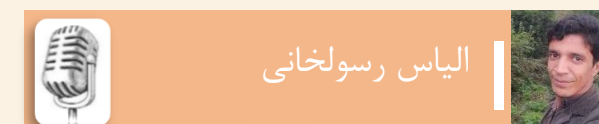
کنفدراسیون فوتبال آسیا رسماً میزبانی رقابت‌های مقدماتی جام جهانی در گروه سوم که تیم ملی ایران نیز در این گروه قرار دارد را به بحرین سپرده است.

ایرادها و دغدغه‌های کنفدراسیون فوتبال آسیا به مسائلی مانند محدودیت‌های بانکی برای انتقال پول، حق پخش تلویزیونی مسابقات و مشکلات با صدا و سیما، مسائل گمرکی، شیوع کرونا و... است و در نهایت سران afc کشورهای رقیب را به جای ایران انتخاب نموده‌اند برخی از این ناکامی‌ها در بحث گرفتن میزبانی به علت شرایط نابسامان فدراسیون در یک سال گذشته است که برای حل و فصل این قبیل مسائل که فراتر از فوتبال ایران است اقدامی صورت نگرفته تا از طریق مسئولان ارشد دیپلماسی ایران موارد مورد نظر این کنفدراسیون را به نفع تیم‌های ملی و باشگاهی حل کند؛ اما می‌توان امیدوار بود که با روی کار آمدن تیم مدیریتی جدید و رایزنی آن‌ها با وزارت امور خارجه قدم‌هایی در آینده برای پیشگیری از این رویه ناصحیح برداشته شود؛

اگر چه فعلاً به علت شرایط ویژه کرونا مسابقات به صورت متمرکز برگزار می‌شود اما با اتمام این دوران مسابقات به حالت رفت و برگشت باز می‌گردد و اوج نگرانی زمانی است که در همین شرایط هم، afc قصد داشته باشد با در نظر گرفتن مسائلی که گفته شد، تیم‌های ایرانی را از حق مسلم میزبانی محروم کنند، که در این صورت مسئولان ایرانی باید هرچه بیشتر از قبل وارد عرصه شوند و فکری به حال این وضعیت نگران‌کننده بکنند.



معرفی کتاب



الیاس رسولخانی

برای زندگی کردن ، باید یاد بگیریم که به جای غمگین شدن، با هر حادثه ای از اتفاقات خوب زندگیمان لذت ببریم این که می‌توانیم بخوانیم خیلی زیباست کتاب مارا به دنیا های متفاوتی هدایت می‌کند؛

گاهی اشکمان را در می آورد و گاهی لبخند به لبمان می نشاند، از عشق میگوید و درد اجتماعی را بیان می‌کند

با کتاب ، می توان گلی شد در باغی پر از گل‌های زیبا ! و یا که برای لیلی مجنون شد، می توان فقیر شد ،غنی شد و یا دنیای اشیا و جانداران را تجربه کرد.

دلیم می‌خواهد این بار پسر کوچولویی فضایی شوم و به سیارات گوناگون بروم تا که درس زندگی بیاموزم.

شازده کوچولو اثر آنتوان دوستن اگزوپری

کتاب شازده کوچولو براساس واقعیتی است که برای اگزوپری رخ داده است ؛ هواپیما به علت مشکلاتی که دارد مجبور به فرود اجباری در آفریقا می شود از بین هزاران ساکن آن منطقه پسر بچه ای با رفتار ها و سوالات عجیب خود جلب توجه می‌کند و شخصیت اصلی داستان را تشکیل می دهد.

شازده کوچولو ظاهرا به سیارات مختلفی از جمله زمین سفر میکند اما از شخصیتها و اتفاقاتی که در سیاره ها می افتد می توان فهمید که این حوادث و شخصیت ها نماد اتفاقات و مردم

زمین است؛ در واقع اگزوپری می‌خواهد نشان دهد که دنیای آدم بزرگها مسخره است و آن ها مسیر حقیقی را فراموش کرده اند و به بی راهه میروند.

نویسنده ی کتاب به درستی نشان داد که میتوان در تعداد صفحات کم هم اثری بزرگ خلق کرد که از پرخواننده ترین کتاب های دنیا باشد، کتابی که از خیلی مسائل از جمله عشق ، انسانیت ، درد اجتماعی و ...سخن میگوید

جملات ناب شازده کوچولو:

شازده کوچولو پرسید:غم انگیزتر از اینکه بیای و کسی خوشحال نشه چیه؟روپاه گفت: بری و کسی متوجه نشه

.....

شازده کوچولو گفت:بعضی کارا بعضی حرفا بدجور دل آدمو آشوب میکنه گل گفت مٹ چی؟ شازده کوچولو گفت :مٹ وقتی که میدونی دلیم برات بی‌قراره و کاری نمیکنی

.....

شازده کوچولو گفت:شوخی چیه؟ روباه گفت همونی که آدم ها حرف دلشون را به همدیگه میزنن.

.....

شازده کوچولو پرسید: از کجا بفهمم وابسته شدم

روپاه جواب داد:تا وقتی که هست نمیفهمی



الیاس رسولخانی



گفتم عزیز جان من با من تو همسر میشوی؟

گفتا ز آهو باز پرس همراه یک خر میشوی؟

گفتم که گل گفתי گلم هر که تو را خواهد خر است

گفتا اگر آن کس تویی از خر تو خر تر میشوی

گفتم چرا هر دم مرا از پیش خود پس میزنی

گفتا که بین بلبلان معشوق کفتر میشوی

گفتم اگر من کفترم عشقم فزون از بلبل است

گفتا برو ای بی خرد دائم چرا شر میشوی

گفتم که بین عاشقان عاشق ترین عاشق منم

گفتا اگر من داورم از اول آخر میشوی

گفتم که من بالا روم بال و پر مگر عشق توست

گفتا تو را تیری زنم بی بال و بی پر میشوی

گفتم که نامت چون گل است چون لاله و چون سنبل است

گفتا ولی در نام تو از خار برتر میشوی

گفتم اگر من یک خرم یک خارم و یک کفترم

گفتا شکستی نفس خود از کلشان سر میشوی

گفتم که قلبم بد شکست از پیش تو من میروم

گفتا که شوخی کردم عشق سر تر ز هر زر میشوی

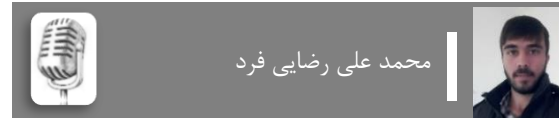
گفتم فدای شوخیت قلبم ز جایش کنده شد

گفتا عزیز جان من با من تو همسر میشوی؟

شورای شهر ها

بررسی و شناخت کمیوندها، نیازها و نارسائیهای موجود در روستا و تهیه طرح ها و پیشنهادهای اصلاحی و عملی در این زمینه اصلاحی و عملی در این زمینه ها و ارائه آن به مقامات مسئول ذیربط

- جلب مشارکت و خودیاری مردم و همکاری با مسئولین اجرایی وزارتخانه ها و سازمان هایی که در ارتباط با روستا فعالیت می کنند و ایجاد تسهیلات لازم جهت پیشبرد امور آنها
- تبیین و توجیه سیاست های دولت و تشویق و ترغیب روستائیان جهت اجرای سیاست های مذکور
- نظارت و پیگیری اجرای طرح ها و پروژه های عمرانی اختصاص یافته به روستا
- همکاری با مسئولان ذیربط برای احداث، اداره، نگهداری و بهره برداری از تاسیسات عمومی، اقتصادی، اجتماعی و رفاهی مورد نیاز دولت در حدود امکانات
- کمک رسانی و امداد در مواقع بحرانی و اضطراری مانند جنگ وقوع حوادث غیر مترقبه و نیز کمک به مستمندان و خانواده های بی سرپرست با استفاده از خودیاری های محلی
- تلاش برای رفع اختلافات افراد و محلات و حکمیت میان آنها
- ایجاد زمینه مناسب و جلب مشارکت عمومی در جهت اجرای فعالیت های تولیدی وزارت خانه ها و سازمان های دولتی
- جلب مشارکت و همکاری عمومی در انجام امور فرهنگی و دینی



بدون تردید سیاست گذاری و مدیریت شهرها بدون مشارکت مردم و به کارگیری روش های نوین مدیریت امکان پذیر نیست. شورای شهر یکی از نهادهایی است که با حضور نمایندگان شهروندان، مشارکت مردم را در سیاست گذاری و مدیریت شهری فراهم می کند.

مدیریت شهر به عنوان یک رویکرد نوین در حل معضلات و مشکلات بوجود آمده در جامعه نقش مهمی به عنوان یک حکومت محلی در عرصه زندگی شهری ایفا می نماید. شوراهای شهر به عنوان یک عنصر از مدیریت شهری در اداره شهرداری سطح محلی نقش مهمی بر عهده گرفته است. تشکیل شوراهای اسلامی شهرها، می تواند نقطه عطفی برای مدیریت مشارکتی در ایران باشد

شهر به عنوان کلیتی یکپارچه و به هم پیوسته و متشکل و مقتدر برای اداره نیاز دارد و این سازمان، مانند هر سازمان دیگر، نیازمند مدیریت است که در نتیجه بحث مدیریت شهری و اداره مطلوب شهر مطرح می گردد. مدیریت شهری را می توان شاخه های نسبتا جدید علم مدیریت دانست. که اگر شهر همچون یک سازمان در نظر گرفته شود، لازم است که در راس آن عنصری برای برنامه ریزی آینده و اداره امور کنونی قرارگیرد. این عنصر را می توان مدیریت شهر نامید. مدیریت شهر باید برای شهر برنامه ریزی کند و حتی برای انجام بهتر امور، انگیزه لازم را در سازمان و شهروندان ایجاد نماید

گروه سیاسی | درست در روزهایی که ذهن بسیاری درگیر انتخابات ریاست جمهوری سال آینده است مجلس برای برگزاری یک انتخابات مهم دیگر آماده می شود: انتخابات شوراها که در آن مجلس نقش شورای نگهبان را در تایید

یا رد صلاحیت کاندیداهای انتخابات شوراهای شهر ایفا می شود: انتخابات شوراها که در آن مجلس نقش شورای نگهبان را در تایید یا رد صلاحیت کاندیداهای انتخابات شوراهای شهر ایفا می کند. هیاتی که قرار است صلاحیت کاندیدها را برای انتخابات شوراهای کشور بررسی کند از اهمیت بالایی برخوردار است و بی شک انتخاب چهره های عضو در این هیات در صحن علنی مجلس اهمیت بالایی دارد

قومیت، طایفه گرایی، تعصب و این قبیل موارد در عرصه های مهم و سرنوشت ساز مانند انتخابات می تواند افراد را از معیارهای اصلی یک انتخاب اصلح دور کند و افکار و ذهن را به سمت طایفه و قبیله سوق دهد که این جهت گیری ها منجر به دور شدن از اصول اولیه یک انتخاب درست کند.

با توجه به این که پابندی به قوم و قبیله ریشه در باورهای سنتی دارد و در کشور ماهنوز باورهای سنتی در رفتار اجتماعی ما موثر است، لذا هویت قومی کماکان در رفتار انتخاباتی شهروندان تاثیر جدی و اساسی دارد.

برای کم رنگ کردن رفتار انتخاباتی شهروندان براساس تعلقات قومی و ایلی، در گام اول باید ما دلیل تداوم چنین مولفه ای را پیدا کنیم. حقیقتا این امری پیچیده و دارای جنبه ها و ریشه های مختلف است که حذف آنها در شرایط کنونی ناممکن است، ولی می توان آن را کم رنگ تر کرد.

یکی از راه های کم رنگ کردن آن نیز این است که به جامعه کمک کنیم که هویت های اجتماعی دیگر را جایگزین هویت قومی کنند و به تعبیر دیگر با برجسته کردن هویت های اجتماعی دیگر، هویت قومی را کم رنگتر کنیم.

فلسفه شورای شهر و روستا تسریع در توسعه و آبادانی شهر و روستا است. شورایی موفق است که همه فعالیت های شهر و روستای قابل تعریف در شرح وظایف دخیل بوده و در واقع هر نوع پروژه بزرگ و کوچکی با نظارت و تصویب آنها باشد.

روز عشق
محمد ریجانی



ماه مبارک رمضان
امرحسین علی نیا



شورای شهر ها
سینا سیف الله زاده



پندانه
مجید رحمانی



دلنوشته
امیرحسین علی نیا



اردوی عشق
مجید رحمانی



منشور دانشجو معلمست ها
الیاس رسولخانی



دانشجویان و -
واکسیناسیون
الیاس رسولخانی



شهید عشق
مهدی کوه نشین



معلم معیشتی یا ...
سینا سیف الله زاده



معرفی کتاب
امیرحسین علی نیا



دعوت به همکاری :

علاقمندان و افراد مستعد میتوانند در زمینه های نویسندگی، گویندگی، ویراستاری و طراحی با ما همکاری داشته باشند ؛ لذا افرادی که مایل به همکاری هستند، می توانند آثار خود را برای ما ارسال کرده و در شماره های بعدی نشریه صریح ما را همراهی کنند. پذیرای انتقادات و پیشنهادات سازنده شما عزیزان هستیم.

پل های ارتباطی :



صفحه اینستاگرام



پیام رسان تلگرام



«این معلمان چه قدر عزیزند! این شغل معلمی چه قدر ارزشمند است!
این مرتبه‌ی تعلیم چه قدر والا و بلند است، که همه‌ی انسانهای فرزانه،
انسانهای بزرگ و برجسته، هر جایی که باشند، خود را پرورده‌ی دست
معلم می‌دانند و سایه‌ی معلم را بر سر خودشان حس می‌کنند.»

رهبر معظم انقلاب.

